

ولادت امام حسین (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

مولودی مبارک صبح‌گاه سوم شعبان سال چهارم هجرت، دومین فرزند برومند علی و فاطمه (علیهما السلام) در خانه‌ی وحی و ولایت، دیده به جهان گشود و خانه‌ی زهرای اطهر (علیها السلام) به نور جمال این نوگل باغ نبوت و ولایت و چراغ فرزندان آسمان رسالت و امامت، معطر و روشن شد. آن گاه که خبر ولادتش به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) رسید، به خانه‌ی فاطمه (علیها السلام) آمد و به اسماء فرمود تا آن کودک را بیاورد. اسماء، او را در پارچه‌ای سپید پیچید و خدمت رسول خدا برد. پیامبر در گوش راست او، اذان و در گوش چپش، اقامه گفت.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله)؛ معلم امام حسین (علیه السلام)

امام حسین (علیه السلام) هنوز زبان نگشوده بود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای انجام نماز مستحبی، ایستاده بود و حسین علیه السلام نیز در کنارش. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌گفت: «الله اکبر»، ولی امام حسین (علیه السلام) نتوانست بگوید. این کار شش بار تکرار شد. بار هفتم هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفت: «الله اکبر»، امام حسین (علیه السلام) زبان گشود و گفت: «الله اکبر». به این ترتیب، نخستین کلام امام حسین (علیه السلام) هنگام زبان گشودن، «الله اکبر» بود و تا آخر، پای «الله اکبر» ایستاد و خون پاکش را برای اعلای کلمه «الله اکبر» ایثار کرد.

امام حسین علیه السلام ؛ وارث پیامبران در زیارت‌نامه معروف «وارث» (که امام صادق علیه السلام آن را به جابر جعفی آموخت و فرمود: با این زیارت‌نامه، امام حسین (علیه السلام) را زیارت کن)، آمده است: «امام حسین (علیه السلام) «وارث (کمالات) آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد و امیرالمؤمنین علی و حسن علیهم السلام است. امام حسین (علیه السلام) وصی پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. حسین

(علیه السلام) برپا کننده‌ی نماز و ادا کننده‌ی زکات و مجری امر به معروف و نهی از منکر است. حسین (علیه السلام) نوری است از صلب‌های بزرگ و رحم‌های پاک. او هرگز به آلودگی‌های جاهلیت نیالوده است. او از ستون‌های دین و رکن‌های مؤمنان است.

عزت آن که عزیز است، استوار و شکست‌ناپذیر، و آن که ترس از رفتن و میل به ماندن ندارد، سربلند است. حسین علیه السلام که آموزگار چنین عزتی است، هم‌چون پدر، مرگ با عزت را زندگی می‌دید و زندگی با ذلت را عین مرگ می‌دانست. او می‌فرمود: «زندگی ذلت بار، مردن و مرگ همراه با پیروزی و سربلندی، زندگی است». قیام امام حسین (علیه السلام) در کربلا، سرمشقی روشن برای همه‌ی آنانی است که درس عزت و سربلندی می‌جویند. آن حضرت در اوج حماسه‌ی خود، آن گاه که وارد میدان رزم شد، تا آن زمان که به شهادت رسید، شعارش این بود:

«الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ»

«مرگ از پذیرش ننگ بهتر، و ننگ از ورود در آتش سزاوارتر است».

استقامت

امام حسین علیه السلام کسی است که یاران وفادارش از پیران پارسا تا جوانان پاک باخته، عموزادگان، خواهرزادگان، برادرزادگان، برادران و فرزندان، جوان و خردسال و شیرخواره، در برابر چشمانش با شمشیر و تیر و نیزه، چاک چاک شدند و به خاک افتادند، ولی خم به ابرو نیاورد. از سوی دیگر، دختران و خواهران و بانوان حرم را تشنه و داغ‌دار و پریشان می‌بیند و می‌داند که ساعتی بعد، اسیر خواهند شد. با این حال، هم‌چون شیر می‌خروشد و رجز می‌خواند و بر دشمن می‌تازد و صف‌شکنی می‌کند و آوای «الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ» سر می‌دهد. کسی جز حسین بن امام علی (علیه السلام) نمی‌تواند با قامتی استوار و روحی به ژرفای اقیانوس، این همه را ببیند و هم‌چنان پایداری کند.

رضای الهی

اخلاص، عرفان، رضای الهی و خدامحوری، عشق به الله، توکل به خدا و به طور کلی الهی شدن از آموزه‌های برجسته‌ی مکتب امام حسین (علیه السلام) است. هدف امام، خشنودی خدا و پیامبر اوست. اگر قیام می‌کند، اگر حرکت می‌کند و خونش را نثار می‌کند، اگر سخت‌ترین مصیبت‌ها را به جان می‌خرد، اگر فرزندان را به شهادت فرا می‌خواند، اگر خاندان عزیزش را به دست اسارت می‌سپارد و بلا را به جان می‌خرد، برای کسب رضای الهی است. امام حسین علیه السلام که در عالی‌ترین نقطه‌ی این عشق مقدس و در اوج اخلاص و عرفان قرار دارد و

قیامش برای رضایت خداست، در آخرین لحظه های زندگی چنین می گوید: «خداوند! من، به حکم وقضای تو راضی ام و در برابر تو تسلیم هستم و جز تو معبودی ندارم، ای پناه بی پناهان!».

عدالت خواهی

اساس تفکر اسلامی بر توحید و عدالت خواهی است. انسان مسلمان باید با ستمگران مبارزه کند. به طور کلی هدف از برگزیدن پیامبران به رسالت و فرو فرستادن کتاب های آسمانی، این است که عدالت اجرا شود. امام حسین (علیه السلام) نیز در همین راستا، در نامه ای به مردم کوفه می فرماید: «به جان خودم سوگند! امام و پیشوا تنها کسی است که مطابق کتاب خدا داوری کند و دادگر و متدین به دین حق باشد و خویشتن را برای خدا به دین و عدالت، پای بند سازد». همین عدالت خواهی و آزادگی است که رهبر قیام عاشورا را تا قیامت، زنده نگاه می دارد و آموزه های حیات بخش او را جاودانه می سازد. اهمیت نماز یکی از آموزه های حسین (علیه السلام)، ترویج فرهنگ نماز است. امام حسین علیه السلام به نماز اول وقت بسیار اهمیت می داد. حتی در ظهر عاشورا و در گرماگرم کارزار، نماز اول وقت ایشان ترک نشد. آن گاه که عمرو بن عبدالله معروف به ابو ثمامه صائدی گفت: «دوست دارم پس از نماز خواندن به امامت شما، به لقای پروردگام نایل شوم»، امام در پاسخ فرمود: «نماز را به یادمان انداختی، خداوند تو را از نمازگزاران واقعی گرداند. آری، این اول وقت نماز ظهر است. از آنان بخواهید مدتی دست از جنگ بکشند، تا نماز به جا آوریم». عبادت آزادگان از گفتار آن حضرت است: «دسته ای از مردم، خدا را پرستش می کنند که به ثواب و پاداش برسند و این عبادت تاجران است. جمعی از ترس مجازات خدا، او را عبادت می کنند و این، عبادت بردگان و غلامان است. ولی بعضی، خدا را فقط برای سپاس و حق گذاری می پرستند. این گونه عبادت، مخصوص آزادگان است و بزرگ ترین عبادت ها، همین است».

مرد آزاده کیست؟

امام حسین (علیه السلام) می فرماید: «هرآن چه در شرق و غرب، آفتاب بر آن می تابد از دریا، خشکی، کوه و دشت، همه نزد خداشناسان و اولیای خدا، ناچیز و مانند برگشتن سایه است». سپس حضرت فرمود: «مرد آزاده این چیزهای پست را به مردم دنیا وامی گذارد؛ ارزش آزاد مرد، هیچ چیز جز بهشت نیست. پس شما خود را به غیربهشت نفروشید و کسی که با به دست آوردن دنیا خشنود شود، بی شک به پست ترین چیزی، خشنود و راضی شده است».

عیادت بیمار و ادای قرض او

روزی امام حسین علیه السلام بر اسامه بن زید که بیمار بود، وارد شد. او را اندوهگین دید. فرمود: «چرا اندوهگین هستی؟» عرض کرد: «به اندازه‌ی شصت هزار درهم، بدهکاری دارم» امام فرمود: «ادای آن با من». عرض کرد: «ترس دارم که پیش از آن بمیرم» فرمود: «نمی‌میری تا آن را ادا کنم». آن‌گاه پیش از مرگ او، قرض را ادا کرد.

پرسش‌های امام علی (علیه السلام) از امام حسین (علیه السلام) و پاسخ او

روزی علی (علیه السلام) به فرزندش حسین علیه السلام فرمود: «پسر! چه چیز، آدمی را آقا و بزرگوار می‌کند؟» حسین علیه السلام پاسخ داد: «نیکی کردن به خانواده و خویشاوندان و بردباری در برابر حوادث». پرسید: «غنا و بی‌نیازی چیست؟» پاسخ داد: «در این که آرزوها را کم کنند و به هرچیز می‌رسد، خشنود باشند». پرسید: «پستی چیست؟» پاسخ داد: «پستی مرد در این است که هر چیز را برای خود بخواد و خود را تسلیم شادمانی‌ها کند». پرسید: «زشتی در چیست؟» پاسخ داد: «در این که کسی با رهبرش (رهبر حق) دشمنی ورزد». آن‌گاه علی (علیه السلام) به یکی از یاران خود به نام حارث الاعور فرمود: «این سخنان حکمت آمیز را به فرزندان بیاموز؛ زیرا این سخنان، خرد را زیاد و اندیشه را استوار می‌سازد».

پندی تکان دهنده به گنه‌کار

شخصی به حضور امام حسین (علیه السلام) رسید و عرض کرد: «گنه‌کارم و نمی‌توانم گناهانم را ترک کنم. مرا موعظه کن». امام (علیه السلام) فرمود: «پنج کار را انجام بده و هرچه می‌خواهی، گناه کن: 1- روزی خدا را مخور. 2- از ملک خدا بیرون برو. 3- به جایی برو که خدا تو را نبیند. 4- وقتی عزرائیل خواست روح تو را از بدنت جدا کند، او را از خود بران. 5- وقتی که مالک دوزخ خواست تو را به دوزخ افکند، زیر بارش مرو. در این صورت، هرچه می‌خواهی، انجام بده».

سخن بیهوده

«هیچ گاه سخن بیهوده مگو؛ زیرا سخن بیهوده بار سنگینی بر دوش تو می‌گذارد. هر سخنی را در موردی بگویند که شایسته و مناسب است. چه بسیار افرادی که سخنان‌شان نیک است، ولی چون در موردش نیست، عیب شمرده می‌شود».

زشتی عذرخواهی

از گفتار امام حسین (علیه السلام) است: «از کاری که پس از آن عذرخواهی کنی، بپرهیز؛ زیرا مؤمن نه اشتباه می‌کند و نه عذر می‌خواهد و منافق هر روز، کار بد می‌کند و عذر می‌خواهند».

سخنان قصار حضرت

«بخیل کسی است که از سلام کردن دریغ می‌کند».

«از نشانه های خوش‌بختی و سعادت انسان، هم‌نشینی با خردمندان است».

«اگر خداوند بخواهد به تدریج بنده‌ای را غافل‌گیر کند، نعمت بسیار به او می‌دهد و توفیق شکرگزاری را از او می‌گیرد».

«هر که دوست تو است، از کار زشت، تو را باز می‌دارد و هر که دشمن تو است، مغرور می‌کند».

«تجربه، مایه‌ی افزایش درک و خرد است».

«شرافت و بزرگواری در پرهیزکاری است».

تجلی جمال خداوندی

«مردی آمد، کسی که خورشید در چشم‌هایش می‌خندید و ماه از پیشانی‌اش می‌خرامید. گیسوانش سایبان جهان و دست‌هایش عطوفت آشکار خداوند بود. راز پنهان حقیقت در سینه‌اش تاب می‌خورد و معنای جاویدان بودن از

نگاهش می‌تراوید».

«حسین (علیه السلام) تجلّی جمال خداوندی، در زمین و ظهور جلال حضرت حق در زمان است. زیستن پس از آمدن حسین (علیه السلام)، معنای راستین خویش را باز یافته و مردن با ابدیت آسمان پیوند خورده است. شکل سیاه خاک با نام حسین (علیه السلام)، مفهوم روشن افلاک گرفته و نام زمین از موهبت گام‌های او سربلند شده است».

طینت پاک خلقت

«حسین (علیه السلام) به خاک و گل شقایق، معنا داده است. روح سرگردان انسان در باران بی‌نهایت مهربانی او، شست‌وشو کرده است. و حقیقت چون غنچه‌ای که پس از نسیم و شب‌نم سحرگاهی گشوده شود، به جهان چهره گشوده است».

«حسین (علیه السلام) سرشت صالح انسان است. طینت پاک خلقت؛ سرچشمه‌ای که تمام رودخانه‌ها از سرانگشت‌هایش جاری شده‌اند و همه دریاها از آبشخور پرشکوه چشم‌هایش جوشیده‌اند. عصمت پیرصلابت انسان در نام اوست. لبخندهای او، رحمت بی‌نهایت خداوند است و اشک‌هایش آتشی در باغ اندیشه افروخته است.

رستاخیز ناگهان جهان است و بعثت دوباره‌ی انسان. میعاد انسان و فرشته در شب مهتابی نگاه حسین (علیه السلام) معنا می‌یابد و درخت و باران در مهربانی قدم‌های او زندگی می‌کنند».

مصباح هدایت و کشتی نجات «عبودیت تنها از برکت نام حسین (علیه السلام) زنده است. سالکان نیازمند نورند و حسین علیه السلام مصباح هدایت است. چراغ روشنی که خداوند در طریق دشوار بندگی افروخته است تا عاشقان در آن نظر کنند و جان خویش را از فروغ او بیافروزند. عاشقان غرقه‌ی دریای عشقند و حسین (علیه السلام) کشتی نجات است. آن که در کشتی نجات نشسته است، از موج‌های هایل دریای عاشقی بیم ندارد و این است که: «ان الحسین مصباح الهدی و سفينة النجاة».

عطر بهشتی بر مشام جان رسد بوی حسین	آن بهشتی بوی دلجوی حسین
از کجا آید خدایا این نسیم؟	که آورد همراه خود بوی حسین
از نجف، از کاظمین، از سامراست؟	یا ز مشهد یا که از کوی حسین؟
یا که زهرا در مدینه، شانه زد	بار دیگر تار گیسوی حسین؟
یارب ! این عطر بهشتی از کجاست	می‌وزد آیا ز شکوی حسین؟
گفت هاتف: سوم شعبان رسید	این بُود عطر گل روی حسین

حبیب الله چایچیان «حسان»

مونس با قلب بشر مونس و دمساز، حسین است	در خلوت دل، محرم و همراز حسین است
زهرا و علی هر دو چو دریای گوهریار	خلقت، صدف است و گهر راز، حسین است
آن عاشق فرزانه و معشوق دو عالم	بر طاق فلک، غلغله انداز، حسین است
راهی که بشر را به خداوند رساند عشق است	و در این فاصله، پل ساز، حسین است
در راه نگهداری قرآن محمد ص	سربازِ فداکارِ سرافراز، حسین است